

## جستاری در ماهیت و آثار اصیل پنهان

مریم آقایی بجستانی<sup>۱</sup>، آرزو فخار<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان - دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران  
<sup>۲</sup>دانش آموخته حقوق خصوصی، واحد سمنان - دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

نویسنده مسئول: maqaib@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

### چکیده

گسترده‌ی روابط اعتباری و جایگاه ویژه اراده در ایجاد روابط حقوقی، نهاد نمایندگی را در عصر حاضر به ضرورتی انکار ناپذیر مبدل ساخته است. در این میان شخصیت طرف قرارداد حائز اهمیت بوده و آثار حقوقی مختلفی بر آن بار می‌گردد. در حقوق قراردادهای، وکیل تنها واسطه‌ای برای انعقاد قرارداد بوده و تعهدات و اجرای عقد تکلیفی برای وی ایجاد نخواهد کرد. در این میان «اصیل پنهان» یا به اصطلاح حقوق دانان اصیل مخفی یا نماینده افشا نشده، تاسیسی حقوقی است که نماینده در هنگام انعقاد عقد، سمت خود را پنهان می‌دارد و در خصوص اینکه معامله را به نمایندگی انجام می‌دهد و یا خیر سخنی به میان نمی‌آورد در نتیجه این شائبه برای طرف مقابل به وجود می‌آید که در واقع این شخص، اصیل واقعی باشد و اصیل واقعی از شخص ثالث پنهان می‌ماند. بررسی آرای فقها و حقوق دانان این نکته را آشکار می‌سازد که هرگاه در قرارداد به وکالت تصریح نشده ولی طرف قرارداد به انعقاد عقد برای غیر عاقد علم داشته باشد، اثر قرارداد متوجه موکل می‌گردد ولی اگر جاهل به وکالت و انجام معامله برای غیر باشد، وکیل طرف قرارداد بوده و آثار عقد متوجه وی خواهد بود. در این نوشتار بر آنیم تا ضمن تبیین ماهیت حقوقی اصیل پنهان و آثار آن به بررسی آرای فقها و حقوقدانان در این رابطه بپردازیم.

کلیدواژه: نمایندگی، وکالت، اصیل، اصیل پنهان، وکیل

### ۱- مقدمه

توسعه دامنه پیوندهای اعتباری و گسترش نقش اراده در ایجاد روابط حقوقی و نیز رهایی حقوق و تعهدات از قیود شخصیتی، نمایندگی را در دنیای امروز امری اجتناب ناپذیر کرده است. از سوی دیگر مقتضیات روابط اجتماعی و اقتصادی، غالباً لزوم وجود واسطه‌ای در کنار اصیل را به عنوان همراه و همیار وی ایجاد می‌نماید. امروزه یک سیستم اقتصادی تکامل یافته، همان‌طور که در جهت تولید کالا و خدمات به قشر کارگر نیازمند است، برای اینکه کارایی داشته باشد، باید بپذیرد که مذاکرات تجاری و انعقاد آن‌ها، از سوی اشخاصی غیر از طرفین قرارداد صورت پذیرد؛ زیرا امروزه تولید با شرایط خوب به تنهایی کفایت نمی‌کند و بازاریابی و اتخاذ استراتژی‌های صحیح بازرگانی در رشد و شکوفایی فعالیت‌های تولیدی و صنعتی نقش به‌سزایی دارد. در عصر حاضر، استفاده از نمایندگان تجاری به یکی از اشکال مهم و کارآمد در بازارهای جهانی تبدیل شده است. بکارگیری این قبیل نمایندگان معمولاً از طریق قراردادی صورت می‌پذیرد که به موجب آن شخصی به مذاکره و بازاریابی و انعقاد معاملاتی از جانب تولیدکنندگان یا صاحبان صنایع می‌پردازد. در این قراردادهای ممکن است، یکی از طرفین قراردادی و یا هر دو طرف، نماینده شخص طرف دیگری باشند و این نماینده تنها واسطه‌ای برای انعقاد قرارداد بوده و تعهدات و اجرای عقد برای وی تکلیفی ایجاد نخواهد کرد. از سوی دیگر شخصیت طرف قرارداد که آیا اصیل است و یا نماینده، بر کسی پنهان نمی‌ماند. در حقوق قراردادهای از این منظر که هویت اصیل و نماینده بر طرف مقابل واضح است و یا خیر، فصلی وجود دارد که در آن، از اصیل پنهان بحث می‌شود. در خصوص اصیل پنهان باید گفت، دو رکن اصلی شناسایی اصیل، یعنی موجودیت و هویت هر دو مفقود است. نماینده در هنگام انعقاد عقد، سمت خود را پنهان می‌دارد و در خصوص اینکه معامله را به نمایندگی انجام می‌دهد و یا خیر سخنی به میان نمی‌آورد؛ در نتیجه این شائبه برای طرف مقابل به وجود می‌آید که در واقع این شخص (نماینده)، اصیل واقعی می‌باشد و اصیل واقعی از شخص ثالث پنهان می‌ماند. در این نوشتار بر آنیم تا ضمن تبیین ماهیت حقوقی اصیل پنهان، به شناسایی شخصی که در واقع اصیل است و باید تعهدات قراردادی را اعمال کند، بپردازیم. همچنین نهادهایی را که ممکن است از لحاظ نماینده بودن، با این تأسیس حقوقی خلط گردند، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و در انتها ضمن اشاره به آثار اصیل پنهان به این

نکته خواهیم پرداخت که پس از کشف اصیل واقعی، طرفین قراردادی چه تعهد و یا تعهداتی نسبت به یکدیگر و به طریق اولی نسبت به ثالث خواهند داشت.

## ۲- ماهیت اصیل واقسام آن

اصیل واژه ای عربی است که در لغت به معنای شریف و دارای اصالت به کار رفته است. در اصطلاح حقوقی اصیل کسی است که از جانب خود تصرف می کند و در مقابل وکیل که نائب در تصرف است، به کار می رود. دکتر لنگرودی اصیل را چنین تعریف کرده است: «موکل را نسبت به وکیل، اصیل گویند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۵۶) اصیل را از جهات متعددی تقسیم بندی کرده اند اما از آنجا که موضوع این مختصر در خصوص اصیل پنهان می باشد لذا باید گفت اصیل از منظر معلوم بودن و یا نبودن هویت اصیل در عقدی که نماینده به نمایندگی از او منعقد می کند به اقسام ذیل تقسیم شده است: اصیل آشکار و جزئاً آشکار و اصیل پنهان که ذیلاً هر کدام را مختصراً مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

### ۲-۱- اصیل آشکار

چنانچه شخص ثالث در زمان انجام معامله با نماینده ای که عقد را برای اصیل منعقد می کند، بداند که نماینده برای دیگری داد و ستد می نماید و هویت او مشخص باشد، در این حالت هم موجودیت و هم هویت اصیل در نظر ثالث معلوم و کاملاً آشکار می باشد. ثالث توجه دارد که معامله برای دیگری است، شخصیت و هویت اصیل برای او معلوم است و پس از وقوع معامله، نماینده، دیگر طرف حساب او نیست، مگر اینکه طرفیت او به صراحت شرط شده باشد، مانند قراردادهایی که نماینده طی آن مسئولیت شخصی را می پذیرد؛ در این صورت این قید مانند هر شرط ضمن عقد دیگر واجد اثر است و در صورت اطلاق عقد، نماینده نه حقی به دست می آورد و نه مسئولیتی بر عهده می گیرد. (امیری معزی، ۱۳۹۲، ۶۹) به عبارت دیگر، آثار عقد، گریبان گیر اصیل و ثالث می شود نه نماینده، یعنی در وضعیت عادی و با وجود شرایطی آثار عقد دامن گیر اصیل و طرف معامله خواهد شد، البته این التزام اصیل در مقابل ثالث به صرف واسطه بودن نماینده در یک معامله شرایطی دارد. این شرط یا شرایط بیشتر ناظر به مواردی است که وکیل از اختیاری که به او اعطا شده تجاوز نکرده و معامله را در حدود اذن موکل انجام دهد. همچنین نفوذ عمل حقوقی وکیل منوط به این است که مصلحت و غبطه او را رعایت کند. (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۱۳۸۷/۲، ۳۴۲/۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۶۰)

### ۲-۲- اصیل جزئاً آشکار

اما در خصوص اصیل جزئاً آشکار وضعیت کمی متفاوت است و آن در صورتی است که در حین انجام معامله به نمایندگی، هویت اصیل برای ثالث بیان نمی گردد و در واقع موجودیت اصیل معلوم ولی مشخصات او برای ثالث روشن نباشد و علم تفصیلی که منجر به شناسایی فرد واحد، به عنوان اصیل گردد، وجود ندارد، اما همان طور که بیان گردید، ثالث می داند که معامله برای دیگری بوده و در این صورت به علت نداشتن اطلاعات کافی از خصوصیات اصیل الزاماً به شهرت و اعتبار نماینده اکتفا کرده است (السنهوری، ۱۹۳۴، ۶۵؛ امیر معزی، ۱۳۹۲، ۷۰) در این حالت اصیل را جزئاً آشکار یا اصیلی که نام وی را نبرده اند، می نامند. در این قبیل معاملات چون نماینده سمت خود را در مقام معامله برای دیگری ذکر نموده، دیگر خود طرف معامله محسوب نمی گردد و مشخص است که پای اصیلی در قرارداد در میان است و در نتیجه هنگامی که ثالث با آگاهی، حاضر به معامله گردیده، خود نشان دهنده آن است که هویت و خصوصیات فردی اصیل برای ثالث مؤثر در معامله نمی باشد؛ و در این حالت قواعد عمومی قراردادها بر این رابطه جاری می گردد. حال اگر ثالث شخصاً بداند که اصیل کیست، چون نماینده هویت او را صراحتاً بیان نداشته، علم ثالث تغییری در نوع اصیل ایجاد نمی کند و به لحاظ آثار معاملات فرقی با معامله با ثالث آشکار نخواهد داشت. (امیر معزی، ۱۳۹۲، ۶۹)

### ۲-۳- اصیل پنهان

در حقوق قراردادها از این نهاد حقوقی با تعبیر متفاوتی یاد کرده اند؛ برخی آن را تحت عنوان وکالت مخفی (عدل، ۱۳۷۳، ۳۴۱) و برخی دیگر از آن تحت همین عنوان یعنی اصیل پنهان یا اصیل مخفی یاد کرده اند. در اصول قراردادهای تجاری بین المللی از آن تحت عنوان نمایندگی افشا نشده در مقابل نمایندگی افشا شده به کار رفته است. به نظر می رسد همان اصیل پنهان یا اصیل مخفی گویا ترین تعبیر در این رابطه است. دکتر مصطفی عدل، وکالت مخفی و اثر آن را در عقود عینی بدین نحو بیان کرده اند: «وکیل مخفی کسی است که در نتیجه تبانی و یا توافق با موکل سمت وکالت خود را در مقابل اشخاص ثالث مخفی داشته و به جای اینکه با آن ها به عنوان نیابت از طرف موکل، معامله نماید، مستقیماً به اسم خود معامله می کند، این ترتیب غالباً در مواردی پیش می آید که منافع موکل، مقتضی اخفای سمت خود باشد؛ مثلاً اگر کسی به خانه هم جوار خانه خود، فوق العاده احتیاج داشته باشد و احتمال بدهد که اگر مستقیماً برای خود خانه را طلب کند مالک از موقعیت استفاده کرده و قیمت بیشتری را مطالبه خواهد کرد در این صورت مخفیانه به دیگری وکالت می دهد و با وکیل خود تبانی می نماید بر اینکه وکیل، وکالت خود را مخفی داشته و معامله را به نام خود انجام دهد.» (عدل، ۱۳۷۳، ۳۴۱)

### ۳-اصیل پنهان و نهاد های مشابه

در این قسمت بر آنیم تا به مقایسه نهادهایی که مانند اصیل پنهان، نماینده در آن‌ها از نمایندگی خود صحبتی نکرده و نماینده بودن شخص برای طرف مقابل پنهان می‌ماند با نهادهایی دیگر، چه آن‌هایی که در قانون به آن‌ها اشاره شده و چه آن‌هایی که در قانون ذکر نشده است، بپردازیم. حق‌العمل‌کاری و قراردادهای مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی، از جمله مواردی است که به دلیل وجود عنصر نیابت در آن مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۳-۱- حق‌العمل‌کاری

ماده ۳۵۷ قانون تجارت در تعریف حق‌العمل‌کاری اشعار می‌دارد: «حق‌العمل کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل، حق‌العمل دریافت می‌دارد.» بسیاری از بازرگانان علی‌رغم سرمایه زیاد به مشتریان، دسترسی ندارند و یا به عللی، مشتری یابی برای آن‌ها به صرفه نیست و یا نمی‌خواهند شخصاً وارد معاملات خاص تجاری شوند و به عبارت دیگر شخص اصیل ترجیح می‌دهد که نماینده، به نام خود، عمل حقوقی مورد نظر او را انجام دهد؛ زیرا نماینده، دارای اعتبار تجاری و آشنا به عادات تجاری می‌باشد. از این تأسیس حقوقی به ویژه در معاملات بین‌المللی استفاده می‌شود. (کاتبی، ۱۳۷۰، ۲۷۳) باید گفت: وکالت و حق‌العمل‌کاری هر دو از انواع نمایندگی قراردادی هستند که اختیارات خود را از قرارداد وکالت و قرارداد حق‌العمل‌کاری می‌گیرند و هر دو به حساب دیگری قرارداد منعقد می‌کنند و اصولاً وضع ماده ۳۵۸ قانون تجارت مؤید قرابت این دو تأسیس حقوقی است، ولی برخلاف وکیل، حق‌العمل‌کار به اسم خود، قرارداد را منعقد می‌کند و همین امر موجب می‌شود که برخلاف وکیل، خود او در برابر طرف قرارداد مسئول انجام تعهدات قراردادی باشد. (دمرچیلی، دکتر محمد و همکاران، ۱۳۸۷، ۶۹۷) بنابراین در صورت بروز اختلاف در معامله، طرف مقابل حق رجوع مستقیم و اقامه دعوی علیه آمر را ندارد، کما اینکه آمر نیز نمی‌تواند به طور مستقیم به شخص طرف معامله با حق‌العمل‌کار رجوع کند. (اسکینی، ۱۳۸۷، ۸۶) اصولاً در اعمال حقوقی انجام شده توسط حق‌العمل‌کار، هر چند که به حساب آمر و اصیل انجام می‌شود، اراده آمر و اصیل مدخلیتی در انعقاد آن ندارد و عمل حقوقی انجام شده فقط به اراده حق‌العمل‌کار، انشا و ایجاد می‌گردد و در نتیجه در مرحله نخست، حقوق و تعهدات ناشی از عمل حقوقی مستقیماً دامن‌گیر حق‌العمل‌کار می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۶۷/۴) دیگر آنکه قرارداد حق‌العمل‌کاری من جمله عقود معوض است با این توضیح که معاوضی بودن آن، از جمله مقتضای ذات آن نبوده بلکه مقتضای اطلاق عقد است و اگر به صورت مجانی نیز منعقد گردد لطمه‌ای به آن وارد نخواهد شد ولی وکالت ممکن است معوض باشد یا مجانی (ماده ۶۵۹ ق.م). علاوه بر این، وکالت یک عقد اصلاً اذنی و فرعاً عهدی می‌باشد در حالی که قرارداد حق‌العمل‌کاری یک عقد عهدی می‌باشد. با توجه به مطالب گفته شده، این نتیجه حاصل می‌شود که قالب عقد وکالت ظرف مناسبی برای این قرارداد نمی‌باشد؛ زیرا علی‌رغم خصوصیات و اوصاف فوق‌الذکر، از نظر ماهیت نیز همان‌طور که ایراد کردیم، بین حق‌العمل‌کاری و وکالت تفاوت اساسی وجود دارد و این تفاوت بیشتر در ناقص یا مخفی بودن نمایندگی حق‌العمل‌کار خلاصه می‌شود و شأن وکالت ایجاب می‌کند که به محض انعقاد عمل موضوع وکالت، شخصیت نماینده به عنوان واسطه، زائل شده و حقوق و التزامات ناشی از عقد، مستقیماً متوجه اصیل گردد در حالی که در برابر غیر، مسئول می‌باشد.

#### ۳-۲- قراردادهای مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی

مطابق قانون مدنی قراردادهای خصوصی، نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است. یکی از موارد مشمول ماده ۱۰ اعطای نمایندگی‌ها در قراردادهای مبتنی بر دادن امتیاز فروش کالاها یا قراردادهای توزیع انحصاری و یا غیر انحصاری است که این نوع نمایندگی‌ها، اغلب برای کسب حق انحصاری فروش و توزیع کالا است. در خصوص نمایندگان تجاری مستقل که تحت اوامر اصیل نیستند و به نام و به حساب خویش دست به اقدامات تجاری زده و جهت فروش و توزیع محصولات کارخانه‌ها فعالیت دارند باید گفت که حوزه فعالیت این نوع نمایندگی نه تنها در داخل بلکه در خارج از مرزهای یک کشور بوده و آنان محصولات کارخانه‌ای را تحصیل و با به دست آوردن امتیاز فروش یا توزیع انحصاری کالا مبادرت به خرید و فروش و دیگر عملیات تجاری نموده و بدین‌وسیله شهرت تجاری پیدا می‌کنند. مع‌الوصف، نمایندگی‌های توزیع و فروش و ... از نظر ماهیت با نمایندگی به مفهوم اخص تفاوت دارند. به طوری که عنوان نمایندگی نسبت به آن‌ها ظاهری و صوری است؛ زیرا عنصر نیابت در آن‌ها به مفهوم واقعی وجود ندارد و ماهیتاً در قالب قرارداد نمایندگی و لو به صورت غیرمستقیم (باواسطه) نیز قرار نمی‌گیرند؛ زیرا نمایندگی‌های تجاری یا بدون واسطه‌اند و آن در جایی است که نماینده به نام و حساب اصیل معامله می‌کند و علی‌الاصول تابع مقررات عمومی وکالت و نمایندگی است به نحوی که پس از انعقاد قرارداد توسط نماینده، شخصیت او زائل و مسئولیت‌های قراردادی به عهده اصیل قرار می‌گیرند و یا اینکه باواسطه‌اند یعنی نماینده به نام خود و به حساب آمر معامله می‌کند که نمونه بارز آن حق‌العمل‌کاری است. (ستوده تهرانی، ۱/۳۷۶/۵۸) با این توضیح مشخص می‌شود که نمایندگی تجاری مستقل در جرگه هیچ کدام از دو نوع نمایندگی قرار ندارد و چنین قراردادهایی به دلیل شیوع و استعمال زیاد آن در عرف تجاری فقط لفظ و عنوان نمایندگی را یافته‌اند در حالی که از مفهوم اصلی و ماهیت حقوقی نمایندگی به دورند؛ بنابراین از نظر ماهیت این نوع نمایندگی‌ها تابع ماده ۱۰ قانون مدنی و مقررات خاص خود هستند که در قوانین مختلف برای آن‌ها وضع مقررات شده است و یا اینکه در قراردادهای خصوصی طرفین، مورد لحاظ قرار می‌گیرند.

#### ۴- آثار اصیل پنهان پس از کشف نسبت به طرفین عقد

پس از آنکه کشف گردید که نماینده در واقع اصیل نبوده و به نمایندگی از دیگری اقدام کرده، این کشف دو تعهد و تکلیف در رابطه با طرفین قرارداد ایجاد می‌کند. از یک طرف باید دید حال که معامله منعقد گشته و کشف گردید که نماینده، اصیل نمی‌باشد، مشارالیه چه تعهداتی در مقابل اصیل و در واقع موکل خود بر عهده دارد و از سوی دیگر چه تعهدات و حقوقی در برابر نماینده بر عهده موکل می‌باشد. لذا ایجاب می‌کند که بحث فوق رادر دو حوزه مورد کنکاش قرار داده تا مطالب با دقت عمل بیشتری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

##### ۴-۱- تعهدات نماینده در قبال اصیل

عقد وکالت تعهداتی را برای طرفین به وجود می‌آورد که شاید بتوان گفت اصلی‌ترین تعهدی که برای وکیل در راستای اجرای این عقد به وجود می‌آورد، اجرای موضوع وکالت است و در راستای اجرای موضوع وکالت، نماینده بایستی رعایت مصلحت و غبطه اصیل در انجام موضوع نمایندگی را بنماید و به صورت کلی نماینده موظف می‌شود در راستای اجرای اختیارات خود تعدی و تفریط ننماید (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ۳۴۲/۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۶۰) و طبق ماده ۶۶۸ ق.م وکیل باید حساب دوره نمایندگی را به اصیل پرداخت کرده و آنچه را که از انجام موضوع نمایندگی دریافت کرده است، به اصیل برساند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۸۷/۲) اصولاً هدف از تشکیل و انشا عقد وکالت مبنی بر این امر بوده است که نماینده به استناد اختیار تفویضی و سمت نمایندگی که در اثر آن تحصیل می‌نماید امر یا اموری را به نیابت از اصیل انجام دهد و آثار ناشی از آن متوجه اصیل شود. در راستای انجام وکالت نیز ممکن است، اموالی در اختیار نماینده قرار گیرد حال این اموال ممکن است از سوی خود اصیل به نماینده سپرده شود و یا در راستای اجرای نمایندگی حاصل گردد، در این صورت نماینده امین اصیل محسوب شده و باید به امانت با اموال برخورد کند و در حفظ و نگهداری آن‌ها یا نظر اصیل را دریابد و یا به صورت متعارف و متناسب با نوع مال اقدام کند و در صورت پایان نمایندگی و یا درخواست موکل، آن‌ها را استرداد کند. (امامی، ۱۳۸۳، ۲۲۵/۲؛ عدل، ۱۳۷۳، ۳۳۶) مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، دادن حساب در دوره نمایندگی است بدین معنا که هرچه را که در دوران نمایندگی نزد نماینده سپرده شده و به صورت امانت حفاظت می‌کرده است و یا وجوه و اسناد حقوقی که در دوران نمایندگی و حسب اختیارات مفوضه تحصیل کرده است، باید به صورت کامل به اصیل مسترد نماید. اما آنچه مهم است این که نماینده پس از انعقاد قرارداد، بین مشارالیه و شخص ثالث، چه تعهدی به اصیل پنهان قرارداد خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد دادن حساب دوره نمایندگی ضروری است و آنچه اخلاق نیز آن را می‌پذیرد همین امر است که اگر معامله نماینده و شخص ثالث سودآور بود، نماینده ادعای اصیل بودن نداشته و حساب دوره نمایندگی خود را به صورت کامل به موکل خود بسپارد تا دچار تعدی و تفریط نیز نگردد.

##### ۴-۲- تعهدات اصیل در قبال نماینده

همان‌طور که نماینده در قبال اصیل تعهدات و تکالیفی دارد اصیل نیز در برابر نماینده ملزم به انجام تعهدات خویش است. یکی از اوصاف نمایندگی طبق قانون مدنی با اجرت بودن آن است. معمولاً اصیل در برابر سلطه و اختیاری که به نماینده واگذار می‌کند عوضی قرار می‌دهد. از سوی دیگر ماده ۶۷۶ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «حق الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت به حق الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد، تابع عرف و عادت است و اگر عادت مسلمی نباشد، وکیل مستحق اجرت‌المثل است.» بر فرض مثال اصیل ملزم است که هزینه‌های اجرای نمایندگی را که نماینده متحمل شده است، پرداخت نماید؛ زیرا نماینده در واقع به منظور اجرای اعمالی که به خواسته و دستور اصیل انجام داده آن را هزینه کرده و سود عمل او نیز مستقیماً عاید اصیل می‌گردد و اصیل نمی‌تواند به بهانه آنکه، نتیجه‌ای که مدنظر او بوده، حاصل نگردیده، از پرداخت هزینه‌ها امتناع ورزد. منظور قانون‌گذار از مخارج، هزینه‌های ضروری و متعارف در حدود موضوع نمایندگی است و نه هزینه‌هایی که توسط نماینده صرف شده باشد. (امامی، ۲۳۰/۱۳۸۴، ۲) این تعهد اصیل پنهان در مقابل نماینده، پس از کشف همچنان به قوت خود باقی است

#### ۵- آثار اصیل پنهان پس از کشف، نسبت به شخص ثالث

در بحث فوق آنچه اهمیت دارد رابطه اصیل با شخص ثالث است اما برای تبیین مساله، ابتدا باید اثری که قرارداد منعقد بین شخص نماینده و موکل بر شخص ثالث می‌گذارد از دید نماینده بررسی شود. به عبارت دیگر چه نوع رابطه‌ای بین شخص نماینده و شخص ثالث ایجاد می‌گردد و پس از تعیین تکلیف در این خصوص می‌توان گفت به نوعی رابطه ثالث با موکل نیز مشخص می‌گردد. قابل ذکر است منظور از اثر قرارداد، اثر قرارداد نماینده و اصیل در خصوص ثالث است.

##### ۵-۱- آثار قرارداد در خصوص نماینده

همان‌گونه که اشاره شد، در موردی که نماینده هنگام انعقاد قرارداد، به نمایندگی خویش اشاره‌ای نمی‌کند اما در واقع قرارداد را به نمایندگی از اصیل منعقد می‌کند باید با توجه به اراده باطنی نماینده و ظاهر ماده ۱۹۶ قانون مدنی، تنها در صورت اثبات انجام عمل به نمایندگی، معتقد به ایجاد رابطه بین

ثالث و اصیل بود و ثالث را در برابر اصیل ملزم به انجام تعهدات قراردادی دانست در غیر این صورت معامله برای خود شخص محسوب می شود لیکن این نظر، به اعتقاد دکتر کاتوزیان دارای ایراد است زیرا اولاً با اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها منافات دارد. اصل حاکمیت اراده مقتضی التزام شخص طرف قرارداد به آثار قرارداد می باشد و ظاهراً اصیل به شمار می آید. در واقع اراده مشترک طرفین بر این بوده که نماینده ادعایی، طرف قرارداد باشد؛ طرف قرارداد با بهره گیری از اصل آزادی قراردادها طرف خود را انتخاب کرده و با او قرارداد بسته است؛ پس چگونه می توان آثار قرارداد را برای شخص دیگری که نامش در قرارداد نیامده و طرف قرارداد او را نمی شناخته، جاری دانست؟ ثانیاً اگر شخص دیگری را که نامش در قرارداد ذکر نشده به عنوان اصیل و ذینفع در قرارداد تلقی کنیم به امنیت روابط حقوقی و اصل استحکام معاملات لطمه وارد می شود؛ چرا که ممکن است، با خارج شدن نماینده از صحنه قرارداد، طرف دیگر با شخص معسر یا نادرست مواجه شود که قادر یا مایل به اجرای قرارداد نباشد، در حالی که در زمان عقد، گمان می کرده که طرف او شخصی توانگر یا درستکار است. بنابراین پذیرش نظر فوق، در این گونه موارد، چه بسا خسارت پیش بینی نشده ای به طرف قرارداد وارد خواهد کرد. ثالثاً، در برخی از قوانین، در این گونه موارد، نماینده خود متعهد و ملتزم به قرارداد به شمار آمده است. مثلاً برابر ماده ۳۵۷ به بعد قانون تجارت، حق العمل کار که نماینده آمر به شمار می آید و به نام خود ولی به حساب دیگری معامله می کند خود متعهد به اجرای قرارداد و مسئول است. همچنین ماده ۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۷ مقرر می دارد: «هرکس بیمه می دهد، بیمه متعلق به خود اوست، مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است...» مواد مذکور مفید این معنی است که هرگاه به نمایندگی در قرارداد بیمه تصریح نشده باشد، بیمه دهنده خود طرف قرارداد محسوب می گردد، هر چند ثابت شود که قصد نمایندگی داشته است. گرچه این مواد ناظر به موارد خاص است، ولی می توان از وحدت ملاک برای تعمیم قاعده استفاده کرد و به دیگر سخن، آنها را مصادیقی از یک قاعده عام به شمار آورد. (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ۵۰/۲) برای ارائه یک تفسیر معقول از ماده ۱۹۶ قانون مدنی می توان به نظر برخی از فقهای بزرگ امامیه استناد کرد که حاکی از التزام و مسئولیت خود وکیل بویژه در فرضی است که معامله به نام وکیل واقع می شود و طرف قرارداد جاهل به وکالت است. علامه حلی در مسأله معیوب بودن مبیعی که وکیل آن را فروخته است، تصریح می کند که در صورت علم مشتری به وکالت، کالای معیوب به موکل و در صورت جهل به وکیل رد می شود. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ق ۹۷/۱۵) صاحب جواهر نیز با بیان این مورد که اگر شخصی کالایی بخرد سپس مدعی شود که به نیابت خریده و باید ثمن را از موکل مطالبه کند می گوید: «با جهل به وکالت مطالبه از وکیل موجه است؛ زیرا مباشرت او در خرید ظاهر در این است که معامله برای او بوده است...» (نجفی، ۱۳۴۹، ۴۴۰/۲۷) به عبارت دیگر وی با استناد به اصل عدم نمایندگی و ظهور مباشرت وکیل در عقد، وی را مسئول شناخته و نظر به التزام او به پرداخت ثمن داده است. میرزای قمی نیز با طرح همین مسأله معتقد است: «هرگاه بخرد مال را از برای موکل، پس اگر علم دارد بایع به وکالت و وکیل هم به ذمه می خرد پس آن قیمت در ذمه موکل است و بایع از او مطالبه می کند و هرگاه جاهل باشد به وکالت، از وکیل مطالبه می کند و اگر وکیل را بری کند، موکل بری نمی شود چون در نفس الامر ثمن در ذمه او هست...» (میرزای قمی، ۱۳۰۳، ۳۲۵) محقق نائینی پس از طرح این سوال که آیا در صورت علم به وکیل بودن طرف مقابل در مقام اجرای صیغه معامله با وی صحیح است یا نه، با ارائه سه پاسخ قول به تفصیل را برگزیده و معتقد است در مواردی چون بیع که شخصیت بایع علت عمده عقد نیست، تنزیل وکیل به منزله بایع جایز است اما در مواردی چون نکاح که شخصیت بایع علت عمده عقد است، صحیح نیست. وی به دنبال این مسأله به بحث التزام وکیل می پردازد و می افزاید در صورتی که مشتری علم به وکالت نداشته باشد وکیل ملزم به اجرای تعهدات است ولی در صورت علم موکل ملتزم خواهد بود. (نائینی، ۱۳۷۳/۱، ۱۸۲) بنابراین در تفسیر ماده ۱۹۶ ق م می توان گفت: هرگاه در قرارداد به وکالت تصریح نشده، ولی طرف قرارداد آگاه باشد به اینکه عاقد برای دیگری معامله می کند، اثر قرارداد دامن گیر موکل است و طرف فقط می تواند به او رجوع کند؛ اما اگر طرف جاهل به وکالت و انجام معامله برای غیر باشد، عاقد طرف قرارداد به شمار می آید و طرف دیگر فقط از او می تواند اجرای قرارداد را مطالبه کند. این نظر هم با فقه و هم با مصلحت جامعه سازگار است. توجه به این نکته ضروری است که این ماده دو جهت ثبوت و اثبات را خلط کرده است و اثبات نمایندگی بودن را موجب انعقاد معامله برای اصیل می داند در حالی که ثبوت شی، مشروط بر اثبات آن نیست اما طبق ماده ۱۹۶ اگر کسی در قصد باطنی خود برای اصیل معامله ای منعقد کند، لکن حین العقد به نمایندگی خود تصریح ننماید، آن عقد برای اصیل منعقد می گردد هر چند در گمان طرف معامله، انشا قرارداد به اصالت صورت پذیرفته باشد و صرف اینکه نماینده به نیت اصیل انشا عقد نماید، جهت واقع شدن عقد برای اصیل کافی است دکتر لنگرودی با طرح مسأله نسبیت در موجودات اعتباری در ماده ۱۹۶ قانون مدنی معتقد است که به موجب آن نمایندگی پنهانی، ثبوت اصیل مالک یا متعهد می شود، لیکن نماینده اثباتاً متعهد و مالک در قرارداد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۰۷) با توجه به آرای فقها مبنی بر مدخلیت علم و جهل طرف معامله نسبت به شخصیت وکیل و اصیل در تحقق اثر حقوقی، می توان گفت که تحقق اثر حقوقی دائر مدار علم و جهل طرف معامله نسبت به سمت وکیل در عقد است و در صورت علم طرف معامله به وکالت وکیل هر چند در عقد تصریح نشده باشد- ثبوت و اثبات اثر حقوقی متوجه اصیل می باشد ولی در صورت جهل طرف معامله به وکالت تفصیل دکتر لنگرودی صحیح می باشد و اثر حقوقی بر عالم اثبات مترتب می گردد یعنی نماینده مالک در قرارداد خواهد بود. باید توجه داشت که، اشتباه در شخصیت تأثیری در قرارداد ندارد مگر اینکه شخصیت علت عمده عقد باشد. (شیخ انصاری، ۳۰۴/۳) حال می خواهیم ببینیم جایی که شخصیت علت عمده عقد باشد، چنانچه نماینده در انشا عقد سمت خود را پنهان کند، عقد چه وضعیتی پیدا می کند. تردیدی نیست که در این حالت عقد باطل است و نماینده باید تمامی خسارات وارده به طرف مقابل را جبران نماید و در مقام جبران ضرر، دادگاه می تواند بر مبنای ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی، برای جبران خسارت، نماینده را ملزم به اجرای مفاد عقد و تعهدات ناشی از آن نماید. همچنین در موارد دیگر که شخصیت

نماینده علت عمده عقد نیست، لکن به نحوی در انعقاد عقد مؤثر است وضعیت متفاوت خواهد بود. در بسیاری از روابط معاملاتی خصوصاً در قراردادهای مهم، اگر شخصیت علت عمده عقد نباشد، دست کم نقش مهمی در گرایش طرف عقد به سوی معامله دارد. اعتبار مالی طرف، شخصیت موجه، خوش حسابی و توانایی انجام مفاد قرارداد به نحو احسن، از جمله محرکاتی است که افراد را به سوی برقراری ارتباط حقوقی سوق می‌دهد. نفی این امر در روابط معاملاتی، سبب بر هم خوردن نظم مناسبات حقوقی می‌شود و نمی‌توان خلل در وضعیت اعمال حقوقی و حمایت از طرف قرارداد را محدود به موردی کرد که شخصیت، علت عمده و اساسی عقد باشد؛ بنابراین پذیرش صحت معامله و قبول مسئولیت نماینده به جبران خسارات طرف مقابل، تمهید مناسبی نیست که به خوبی از عهده حمایت و پشتیبانی از اشخاص متضرر برآید. همچنین در مواقعی شخصیت در قرارداد برای یکی از طرفین علت عمده محسوب نمی‌شود، لکن بر مبنای خصومتی که سابقاً اصیل با طرف قرارداد داشته است، وی ابداً حاضر به رویارویی قراردادی با اصیل نمی‌باشد. ممکن است اصیل توسط نماینده‌ای، با این شخص، قراردادی منعقد نماید که نوعاً شخصیت در آن بی‌تأثیر است، لکن آگاهی طرف قرارداد از وجود این شخص به عنوان اصیل، نه به طور نوعی بلکه به نحو شخصی، مانع انعقاد قرارداد می‌شود اما پس از انعقاد قرارداد، با ابراز سند نمایندگی، طرف معامله ناگهان با شخصی روبرو می‌شود که هیچ‌گاه حاضر به تعامل با وی نبوده است. در این صورت اصیل، توانسته است با حيله، خود را طرف معامله‌ای لازم با خصم خود نماید. حال آیا این معامله باطل است؟ قدر متیقن از حکم قانون در خصوص تأثیر شخصیت در قرارداد به عنوان علت عمده، موردی است که شخصیت، جز مهمی از رابطه قراردادی را تشکیل می‌دهد، مانند عقد نکاح یا هبه؛ اما نوعاً در این عقد شخصیت اهمیتی ندارد پس حکم به بطلان عقد چندان صحیح نیست. از طرفی روبرو کردن طرف معامله با کسی که اصلاً مایل به تعامل با او نبوده است، نظم روابط معاملاتی و اقتصادی را برهم می‌زند. پس باید چاره‌ای اندیشید و این حيله را خنثی نمود. به نظر می‌رسد در این مورد، نماینده باید مانعی را که باعث گریزان شدن طرف قرارداد از تعامل با اصیل شده است را بر طرف کند و اگر چنین امری امکان‌پذیر نباشد، چاره‌ای جز پذیرش بطلان وجود ندارد. پس اگر ساختار عقد یا اوضاع و احوال حاکم به گونه‌ای باشد که در صورت آگاهی طرف از حقیقت، وی هیچ‌گاه حاضر به معامله با اصیل نمی‌شود، در حکم فرضی است که شخصیت علت عمده عقد محسوب می‌شود. (حاجیانی، ۱۳۸۶، ۱۱۰) بنابراین در فرضی که نمایندگی، افشا نشده و شخصیت نماینده، علت عمده عقد باشد، بدون شک قرارداد باطل است. چنانچه اهمیت شخصیت نماینده در مرتبه ضعیف‌تر از علت اساسی باشد مطابق ضوابط نظام حقوقی ما، قرارداد صحیح بوده و اصیل ملزم به اجرای مفاد آن است. در این صورت طرف مقابل حق فسخ قرارداد و یا مطالبه خسارت از نماینده را خواهد داشت. در صورتی که شخصیت طرف مقابل در قرارداد هیچ‌گونه اهمیتی نداشته باشد، مانند فرضی است که اصیل افشاشده باشد. در این صورت اصیل حق تعقیب طرف مقابل را داشته و نیز ممکن است مورد تعقیب قرار گیرد. در فرضی که شخصیت طرف عقد اهمیت نداشته لکن شخص تحت هیچ عنوانی حاضر با تعامل با اصیل پنهانی نبوده است، نیز قرارداد باطل است. در فرضی که قرارداد باطل می‌باشد، دادگاه می‌تواند حکم به مسئولیت نماینده برای اجرای مفاد قرارداد مزبور به عنوان مسئولیت مدنی بدهد، چه طبق ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی دادگاه می‌تواند نحوه جبران خسارت را براساس اوضاع و احوال تعیین نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲/۸۱)

## ۲-۵- آثار قرارداد در خصوص اصیل پنهان (موکل)

همان‌گونه که گفته شده است، آثار عقدی که وکیل می‌بندد دامن‌گیر موکل می‌شود و اوست که باید مفاد آن را اجرا کند. ولی این التزام محدود به مواردی است که وکیل از سلطه‌ای که به او اعطاشده است، تجاوز نکرده باشد و معامله در حدود اذن موکل واقع شود و همچنین مصلحت موکل را نیز رعایت کرده باشد. (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ۳۴۲/۲؛ شهید اول، ۱۶۰، ۱۴۱۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۱۸۹/۴) موارد گفته شده در خصوص موردی است که نماینده به صراحت بیان کرده باشد که معامله را به نمایندگی انجام می‌دهد و یا به صورت ضمنی این امر بر شخص ثالث مشخص گردد، اما در خصوص موردی که نماینده بیان نمی‌کند که معامله را به نمایندگی انجام داده در واقع شخص ثالث بدین پندار که او اصیل است، معامله می‌نماید بنابراین اصیل پنهان نمی‌تواند ایرادات فوق و سایر ایرادات را در مقابل شخص ثالث مطرح نماید. دکتر کاتوزیان در این خصوص بیان می‌دارد: ولی در مورد نمایندگی‌های غیرمستقیم (مانند وضع حق‌العمل کار) چون معامله به نام نماینده واقع می‌شود، اصیل هیچ تعهدی در برابر قرارداد پیدا نمی‌کند، هرچند که طرف از سمت نمایندگی و مشخصات آمر آگاه باشد. در این گونه قراردادهای، دو طرف (عامل و طرف دیگر) عقد را بین خود واقع می‌سازند و بر این مبنا تراضی می‌کنند که خود عهده‌دار تحمل آثار آن باشند. آمر (اصیل) هم مایل نیست که به طور مستقیم با طرف دیگر روبرو شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۸۸/۲) ایشان در اثر دیگری از خود، پس از ذکر مقدمه‌ای در خصوص اصل آزادی قراردادی و عدم احراز اخلاق در این موارد بیان می‌دارد: ولی در ماده ۱۹۶ قانون مدنی آمده است که «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است، مگر اینکه در موقع عقد، خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود...» بدین ترتیب، اگر بعد از وقوع معامله ثابت شود که یکی از دو طرف معامله وکیل شخص ثالثی بوده است معامله برای آن شخص واقع می‌شود. چنانکه اشاره شد، اگر مفاد این ماده در رابطه بین طرف قرارداد و وکیل مؤثر باشد و او را به طور انحصاری با موکل روبرو سازد، اصل آزادی قراردادی و لزوم حفظ امنیت در معاملات منافات دارد ولی در رابطه با موکل، هرگاه ثابت شود که وکیل، بر مبنای نیابتی که از موکل داشته است و بدین قصد که معامله برای او انجام شود، طرف عقدی قرار گرفته است، این عقد موکل را پای بند می‌کند، هرچند نامی از او برده نشده باشد. پس طرف معامله حق دارد اجرای تعهداتی را که وکیل برعهده گرفته است از موکل بخواهد و موکل او نیز نمی‌تواند، بدین بهانه که نامی از وکالت برده نشده و طرف عقد با او معامله نکرده است، از اجرای این تعهدها امتناع ورزد و این نتیجه منطقی و عادلانه به نظر نمی‌رسد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۹۲/۴) این تغییر عقیده

خود جای بسی تعجب است چرا که ابتدا نظر دوم را مطرح کرده و سپس نظر اول را و حذف مسئولیت موکل در برابر شخص ثالث خلاف منطق و عدالتی است که ایشان مطرح کردند. از سوی دیگر به نظر ما علاوه بر اینکه موکل مسئول است و باید به تمامی تعهدات در نهایت وی جامه عمل ببوشاند، این فرض را باید در دو شق مطرح کرد؛ شق اول آن صورتی است که شخص ثالث از نمایندگی وکیل خبردار شده است و یا علم به نمایندگی مشارالیه داشته است در این صورت وی تنها حق مراجعه به شخص اصیل را دارد زیرا معامله برای اوست؛ اما اگر جاهل به نمایندگی وکیل باشد، همان طور که اشاره گردید وکیل می تواند پس از معامله نمایندگی خود را اثبات کند که در این صورت پس از معامله برای شخص ثالث مشخص می گردد که شخص دیگری نیز در معامله تنها عنوان اصیل پنهان، اصیل بوده است که در این صورت طبق ضوابط و قواعد قانون مدنی اولاً شخص نماینده خود مسئول است و شخص ثالث می تواند کلیه تعهدات قراردادی را از وی بخواهد. همچنین می تواند به اصیل نیز مراجعه کند و تعهدات قراردادی را از او تحت عنوان ذی نفع قراردادی مطالبه کند. به نظر می رسد این نظر همانا با منطق حقوقی سازگارتر و با عدالت همخوانی بیشتری دارد.

## ۶- نتیجه گیری و پیشنهاد

هرگاه نماینده ای به نام خود و به حساب اصیل، در انعقاد قراردادی شرکت کند و طرف مقابل از سمت او اطلاع نداشته و او را اصیل فرض نماید، نقش اصیل واقعی در معامله مخفی مانده و لذا، او را، اصیل پنهان می خوانیم در خصوص اصیل پنهان و آثار و ماهیت آن نه تنها در قانون مدنی بلکه در قلم حقوق دانان نیز مطالب چشمگیری دیده نمی شود و لازم است قانون گذار ما به این امر توجه لازم را مبذول داشته و در این خصوص تعیین تکلیف های لازم را بنماید، حتی در اصول قراردادهای تجاری بین المللی نیز این نقیصه وجود دارد و تنها دو ماده در خصوص نماینده کشف شده و نماینده کشف نشده مطرح گردیده است. آن چه مسلم است در چنین مواردی وکیل در مقابل شخص ثالث مسئول می باشد و در نتیجه این مسئولیت باید از عهده تعهدات قراردادی برآید و در صورتی که اصیل بپذیرد که معامله برای او واقع شده، نماینده می تواند ضمن دادن صورت حساب دوره نمایندگی، کلیه هزینه ها و خسارات و تعهداتی را که در برابر ثالث انجام داده را از اصیل پنهان دریافت دارد. فقها نیز پس از اشاره به تفاوت بین علم و جهل در صورت علم فروشنده به وکالت، قول به التزام عقدی عاقد (وکیل) را اقوی دانسته اند. هم چنین به نظر می رسد که ماده ۱۹۶ قانون مدنی مبهم بوده و شایسته است که قانونگذار به گونه ای که منطبق با اصول حقوقی و مصلحت اجتماعی و فقه امامیه باشد، نسبت به رفع ابهام از این ماده اقدام نماید.

## منابع و مأخذ

- ۱- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، انتشارات شهردانش، ۱۳۸۵، دوم، تهران.
- ۲- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (اسناد تجاری)، انتشارات سمت، ۱۳۸۴، نهم، تهران.
- ۳- حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازمان دهی فعالیت تجاری)، انتشارات سمت، ۱۳۸۷، اول، تهران.
- ۴- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۳، هفدهم، تهران.
- ۵- امیر معزی، احمد، نیابت در روابط تجاری و مدنی، دادگستر، ۱۳۹۲، تهران.
- ۶- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، انتشارات میزان، ۱۳۷۸، اول، تهران.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش ۱۳۸۶، تهران.
- ۸- فلسفه اعلی در علم حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲، اول، تهران.
- ۹- حاجیانی، هادی، حقوق نمایندگی، انتشارات دانش نگار، ۱۳۸۶، اول، تهران.
- ۱۰- حلی، فخر المحققین محمد بن حسن بن یوسف ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷، اول، قم.
- ۱۱- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، آل البیت، ۱۴۱۴، اول، قم.
- ۱۲- دمرچیلی، محمد و همکاران، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، میثاق عدالت، ۱۳۸۷، هشتم، تهران.
- ۱۳- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۶، سوم، تهران.
- ۱۴- سنهوری، عبدالرزاق احمد، نظریه العقد، دار الکتب المصریه، ۱۹۳۴، قاهره.
- ۱۵- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه، دار التراث، ۱۴۱۰، اول، بیروت.
- ۱۶- عدل، مصطفی، حقوق مدنی، انتشارات بحر العلوم، ۱۳۷۳، قزوین.
- ۱۷- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، گنج دانش، پنجم، تهران.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، سهامی انتشار، ۱۳۶۶، اول، تهران.
- ۱۹- عقود معین، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، پنجم، تهران.
- ۲۰- درس هایی از عقود معین، گنج دانش، ۱۳۸۷، یازدهم، تهران.
- ۲۱- کلوپانی، کوروش، حقوق اسناد تجاری، نشر میزان، ۱۳۸۳، اول، تهران.
- ۲۲- میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات، چاپ سنگی، ۱۳۰۳.
- ۲۳- نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، مکتبه محمدیه، ۱۳۷۳، اول، تهران.

۲۴-نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالاحیاء لتراث العربی، ۱۳۴۹، هفتم، لبنان.



## An essay in nature and effects of undisclosed principal

### Abstract

Extension of credit relations and special place of will power in making legal relations has made agency an undeniable requirement in modern era. In the meantime, personality of contract party is of utmost importance and carries different legal consequences. In contract law, attorney is only a broker to conclusion of contract and obligations or implementation of contract provides no responsibility for him. In the meantime, 'concealed principal' or what lawyers called concealed agent or undisclosed principal, is a legal constitutive that while conclusion of contract, agent conceals his position and doesn't speak whether is making the deal with authority, therefore, the other party believe this person is real principal and real principal would be concealed from third party. Investigating verdicts of lawyers and Islamic jurists has revealed that when in contract delegation by agent is not expressively stated but contract party has knowledge to conclude contract for non-concluder, consequence of contract is toward client, but if he is ignorant to delegation and making deal for other person, attorney would be contract party and consequences of contract is toward him. In this article, we try to explain legal nature of undisclosed principal and its effects while considering verdicts of lawyers and Islamic jurists in this matter.

**Keywords:** Agency, Delegation, Principal, Undisclosed principal, Attorney